

بررسی رابطه هوش معنوی و شادکامی دانشجویان پردیس بنت الهدی صدر قزوین

مریم نظامی پاکدهی

کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که برخی از صاحب نظران، آن را متضمن بالاترین سطوح زمینه های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و تلاش همواره آدمی برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می دانند. هوش معنوی به عنوان زیربنای باورهای فرد نقش اساسی در زمینه های گوناگون به ویژه ارتقاء و تامین سلامت روانی دارد و از طرفی اهمیت نقش شادی در بهداشت روانی، سلامت جسمانی، کارآمدی و مشارکت اجتماعی از مهمترین اولویتهای روانشناسی قرار گرفته است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش معنوی با میزان شادی دانشجویان می باشد. روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پردیس بنت الهدی صدر قزوین بوده که تعداد ۹۰ نفر به عنوان نمونه ی این پژوهش به صورت نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند و از پرسشنامه هوش معنوی با ۱۴ گزینه و فهرست شادکامی آکسفورد با ۲۹ گویه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. تحلیل نتایج با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نشان داد که بین میانگین گروه های مختلف دانشجویان، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش نمره هوش معنوی، میزان نمره شادکامی نیز افزایش می یابد.

واژه های کلیدی: هوش معنوی، شادکامی، تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی، بسط حالت هوشیاری.

مقدمه

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روانشناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده ی جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری یابند. به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می کند و بعد چهارم یعنی بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می سازد.

والترز و گاردنر^۱ (۲۰۰۴) عقیده دارند هوش مجموعه ای از توانایی هاست که فرد را در حل مشکلاتش توانا نموده و این راه حل ها را در هوش، از جمله هوش معنوی^۲، یک فرهنگ خاص جای می دهد. توجه جهانی به ابعاد معنوی زندگی بشری توسط روانشناسان سراسر دنیا مولد مساله ای تحت عنوان هوش معنوی است. هوش معنوی ترکیبی از عناصر هوش و معنویت است (آموز^۳، ۲۰۰۰). بر همین اساس زوهر و مارشال^۴ (۲۰۰۰) معتقدند هوش معنوی زاینده بینشی عمیق در تندباد حوادث روزگار است و شخص را در برابر رویدادها و حوادث تلخ و شیرین زندگی آبدیده می کند تا از سختی های زندگی نهراسد و با صبر و تفکر با آنها مقابله نموده و راه حل های منطقی و انسانی برای آنها بیابد؛ و آن را هوشی می دانند که به وسیله آن افراد به مشکلات معنایی و ارزشی پرداخته و آنها را حل می کنند. هوش معنوی نوعی از هوش است که با استفاده از آن افراد قادر می شوند تا فعالیت ها و زندگی خود را در مسیری عمیق تر، غنی تر معنادارتر هدایت کنند. عاملی که باعث گردیده است تا سازه معنویت در ترکیب با هوش مفهوم سازی شود، نتایج علمی تحقیقاتی است که نشان می دهند؛ به کارگیری الگوهای معنوی و دینی در زندگی روزمره بشر می تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی انسان شود (امرام^۵، ۲۰۰۷). از طرفی هوش معنوی، به عنوان یک سازه روانی-رفتاری، به افراد یاری می رساند تا به ارزیابی موقعیت کاری خود پرداخته و در خود نسبت به خود احساس دلسوزی داشته باشند این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که افراد دارای حس خود دلسوزی نسبت به دیگران نیز می توانند دلسوزی نشان دهند (مک مولن^۶، ۲۰۰۳؛ مکوانا^۷، ۲۰۱۵).

طبق مفهوم سازی کینگ چهار استعداد یا توانایی هسته‌ای هوش معنوی، عبارت اند از: ۱- تفکر انتقادی وجودی، که عبارت است از استعداد تفکر انتقادی درباره گوهر وجود، واقعیت، گیتی، مکان، زمان و موضوع‌های وجودی و متافیزیکی و توانایی تفکر درباره موضوع‌های غیر وجودی مرتبط با وجود فرد؛ ۲- تولید معنای شخصی که عبارت است از توانایی استنتاج مفهوم و معنای شخصی از همه تجارب جسمی و ذهنی، از جمله توانایی ایجاد هدف زندگی؛ ۳- آگاهی متعالی که عبارت است از استعداد تشخیص ابعاد و چهارچوب های متعالی خود، دیگران و دنیای مادی در خلال حالت های طبیعی هشیاری؛ ۴- بسط حالت هشیاری که شامل توانایی داخل و خارج شدن از حالات بالای هشیاری است، مانند مدیتیشن، دعا و امثال آن (چان و سیو^۸، ۲۰۱۶).

افراد حوزه های اجتماعی مختلف می توانند با رشد مولفه های هوش معنوی به شغل خود معنا و مفهوم بخشند. نوبل^۹ (۱۹۹۰) به تاثیر هوش معنوی در سلامت روان اشاره میکند. وست^{۱۰} (۲۰۰۴) بر این باور است که افراد دارای زندگی معنوی، بدون شک از نظر روان شناختی افراد سالمی هستند. شاخه ی جدید علم روانشناسی و دیدگاه نوینش تحت عنوان روانشناسی مثبت، درصدد بررسی ظرفیت ها و قدرت های روان شناختی به جای آسیب شناسی روانی است. اعتقاد اساسی در این دیدگاه

¹ Walters&Gardner

² Spiritual Intelligence

³ Amones

⁴ Zoher&Marshal

⁵ emeram

⁶ Mc Molen

⁷ Makwana, S.

⁸ Chan, A. W., & Siu, A. F.

⁹ Nobel

¹⁰ West

جدیداین است که ویژگی های مثبت قابل اندازه گیری می توانند به عنوان سپری افراد را در برابر حوادث نامطلوب خطرزا محافظت نمایند (مستن^۱ و همکاران، ۱۹۹۸).

شادکامی مفهومی است که بسیاری از موارد مرتبط با سلامت روانی را تبیین می کند و به عنوان مفهومی مثبت برای سالم ماندن ضروری و حیاتی است (کوهن^۲، ۲۰۰۲). دینر شادکامی را به عنوان مفهومی در تقارن با حس درونی مثبت، خوشی، افزایش و انگیزه بخش برای همه رفتارهای انسان، در نظر گرفته اند. افراد شاد با ارزنده سازی مهارت های خود، بیشتر با رویداد های مثبت همراه می شوند تا اینکه خود را با رویداد های منفی همراه کنند. آنها در تصمیم گیری های مربوط به آینده زندگی خود بهتر عمل می کنند چون از راهبردهایی نظیر جستجوی اطلاعات مرتبط با خطر، امنیت سود می جویند و از تحمل ابهام بالایی در هنگام مواجهه با مشکلات برخوردارند. آرگایل^۳ (۲۰۱۳) به این نکته پرداخت که افراد شاد در وجود خود احساس امنیت بیشتری می کنند، آسان تر تصمیم می گیرند، دارای روحیه ی مشارکتی بالاتری هستند و احساس رضایت آنها در زندگی بالاتر است. شادکامی دارای اثرات مثبت و اثربخشی برای افراد مختلف است، از جمله این اثرات، افزایش قدرت تفکر و ارتقاء کیفیت ارتباطات است (مایرز^۴، ۲۰۰۲؛ پنلز و کلاکستون^۵، ۲۰۰۸). در این حالت، احساس نوع دوستی افزایش یافته و افراد به دیگران کمک می کنند. افراد شادکام در مشاغل خود موفق ترند، وظایف خود را بهتر انجام داده و قدرت حل مساله بیشتری دارند (آرگایل، ۲۰۱۳). برخی دیگر از محققان بر این باورند که سلامت روانی یعنی ادراک مثبت فرد از رویدادها و شرایط زندگی، به طوری که فرد خوش بین عقیده دارد هر موقعیت و وضعیتی سرانجام، نتیجه مثبتی خواهد داشت. افراد شاد با ارزنده سازی مهارت های خود، بیشتر با رویدادهای مثبت همراه می شوند تا این که خود را با رویدادهای منفی همراه کنند. پژوهش های مایرز (۲۰۰۴) بیانگر آن است که شادی در افزایش سلامت جسمانی و روانی نقش موثری دارد و باعث احساس امنیت و رضایت در زندگی و روحیه مشارکتی بالاتر می گردد. لیوبومیرسکی، شلدون و چاکده^۶ (۲۰۰۵) معتقدند که هر فرد الگویی برای شادی دارد که باعث می شود، اتفاقات را به گونه ای تفسیر کنند که به حفظ و افزایش شادی کمک کرده و به زندگی معنا می بخشد و احساس ارزشمند بود می نماید. از دیدگاه پترسون^۷ (۲۰۰۰) افراد شاد تمایل دارند خود و دیگران را مثبت ببینند و وقایع را مثبت تفسیر نمایند. آنان به شکست، زیاد فکر نمی کنند و از فرصت هایی که به دست می آورند تصمیمات منطقی و درست می گیرند و خوش بینی واقع بینانه به وقایع دارند. در مجموع، پژوهش ها و تحقیقات مربوط به شادی، نشان دهنده آن است که افراد شاد از نظر ساختار فکری، قضاوت و انگیزش با افراد ناشاد تفاوت دارند و از بازدهی فردی، خانوادگی، شغلی، تحصیلی و اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

یکی از روش های افزایش احساس شادکامی، توجه به بحث های دینی و ارضای غریزه پرستش در آنان است. در مطالعه ای که فرینگ و همکاران در رابطه با ارتباط بین سلامت معنوی، مذهب و امیدواری و شادکامی انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که بین دینداری درونی و سلامت معنوی و امیدواری و به طبع آن احساس خوب و شادی آفرین و حالات خلقی مثبت رابطه مستقیم وجود دارد (لوپز و همکاران^۸، ۲۰۱۵)؛ بنابراین در این پژوهش محقق قصد دارد از میان عوامل مؤثر بر شادکامی، تاثیر هوش معنوی (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی، بسط حالت هوشیاری) را مورد بررسی قرار دهد و به طور کلی مسئله این پژوهش پیدا نمودن راهی برای افزایش شادکامی دانشجویان با توجه به ابعاد هوش معنوی می باشد.

^۱ Mesten

^۲ Kohen

^۳ Argyle, M

^۴ Mayers

^۵ Pannells, T. C., & Claxton, A. F.

^۶ Lyubomirsky, S., Sheldon, K. M., & Schkade, D.

^۷ Peterson

^۸ Lopez, V., Leigh, M. C., Fischer, I., & Larkin, D.

روش پژوهش، جامعه پژوهش و روش نمونه گیری

با توجه به اهداف مورد نظر در این پژوهش که به توصیف عوامل مورد نظر می پردازد، از این روی روش تحقیق پیمایشی به کارگرفته شده و از سویی دیگر که مطالعه رابطه میان عوامل مد نظر است، از نوع تحقیق همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از دانشجویان پردیس بنت الهدی صدر قزوین است که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ در این دانشگاه مشغول به تحصیل می باشند که تعداد آنها ۵۵۰ نفر می باشند. از تعداد کل جامعه آماری با توجه به ضوابط نمونه گیری و میزان خطای نمونه گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد تعداد ۹۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

برای گردآوری اطلاعات، از روش تحقیق میدانی، به منظور تایید یا رد فرضیات پژوهش استفاده شده است. برای این منظور پرسشنامه به شرح ذیل در بین نمونه توزیع گردید.

۱) **مقیاس هوش معنوی کینگ^۱**: جهت بررسی هوش معنوی از پرسشنامه ۲۴ سوالی کینگ^۱ (۲۰۰۸) استفاده شده است. پرسشنامه هوش معنوی در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه به وسیله سهرابی و ناصری (۱۳۸۷) بومی سازی شده است. این مقیاس دارای ۲۴ گویه و شامل چهار مولفه تفکر انتقادی وجودی، معناسازی شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری می باشد. تفکر وجودی انتقادی دارای ۷ سوال است. سوالات این زیرمقیاس ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۱ می باشند. تولید معنای شخصی دارای ۵ سوال است. سوالات این زیرمقیاس ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹ و ۲۳ می باشند. آگاهی متعالی دارای ۷ گویه است. سوالات این زیرمقیاس ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۰ و ۲۲ می باشند. بسط حالت هوشیاری دارای ۵ سوال است. سوالات این زیر مقیاس ۴، ۸، ۱۲، ۱۶ و ۲۴ می باشند. پرسش های گویه های پرسشنامه هوش معنوی در طیف پنج درجه ای لیکرت کاملا نادرست، نادرست تا حدودی، درست و کاملا درست تنظیم شده اند. کینگ (۲۰۰۸) در بررسی مقدماتی پرسشنامه هوش معنوی که در مورد ۶۱۹ نفر از دانشجویان دوره لیسانس ۸۸ زن و ۱۳۱ مرد دانشگاه پتربورگ انجام داد، آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۹۵ و میانگین ارتباط درونی پرسش ها ۰/۳۶ بدست آمده است. حسینچاری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی پایایی پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و پایایی آن را با ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه های تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۹، ۰/۸۳ و ۰/۸۵ به دست آورده است. پرسش نامه هوش معنوی با ۲۴ سوال، پنج گزینه ای که اعتبار درونی این پرسش نامه توسط محقق ۰/۹۱ به دست آمد.

۲- **پرسشنامه شادکامی اکسفورد (O.H.I)^۲**: آرگایل و لو^۴، این پرسشنامه را در سال ۱۹۸۹ تهیه کردند. فرم نهایی این آزمون ۲۹ ماده دارد. آرگایل (۲۰۰۱)، ضریب آلفای ۰/۹۰ را با ۳۴۷ آزمودنی، فارنهام^۵ (۱۱۹۰) آلفای ۰/۸۷ را با ۱۰۱ آزمودنی آزمودنی و لو (۱۹۹۳) با فرم کوتاهتری از این پرسشنامه، آلفای ۰/۸۴ را با ۱۸۰ آزمودنی به دست آوردند. در پژوهشی که علی پور و نور بالا (۱۳۸۷)، به منظور بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی اکسفورد با ۱۰۱ دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی و شاهد (۶۲ زن و ۳۸ مرد) انجام دادند، ضریب همسانی درونی برای گروه مردان و زنان به ترتیب برابر ۰/۹۴ و ۰/۹۰ و اعتبار بازآزمایی پس از هفت هفته ۰/۷۸ و ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله زمانی سه هفته در یک نمونه ۲۵ نفری ۰/۷۹ به دست آمد. آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و پایایی دو نیمه کردن آزمون ۰/۹۲ بود. برای تعیین اعتبار این آزمون در سال تحصیلی ۷۷-۷۸ متخصصان دانشگاه علامه طباطبایی اعتبار صوری بالایی برای آن اعلام نموده اند. به منظور بررسی روایی عاملی، از روش تحلیل عوامل استفاده شده و با بهره گیری از روش استخراج مولفه های اصلی و چرخش واریماکس ۵ عامل

¹ The Spiritual Intelligence Self-Report Inventory

² King D B

³ Oxford happiness Inventory

⁴ Argyle&Loo

⁵ Forenham

خشنودی از زندگی، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس مشخص گردیده است. عوامل پنجگانه توانسته اند $0/57$ واریانس کل را تبیین کنند. پایایی آزمون شادکامی به روش آلفای کرونباخ $0/92$ به دست آمده است.

فرضیه اصلی پژوهش

فرضیه اصلی اول پژوهش بیان می دارد که بین هوش معنوی و شادکامی دانشجویان رابطه وجود دارد. در این بخش به منظور تعیین رابطه بین میزان شادکامی و هوش معنوی، ابتدا ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر محاسبه شده است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول آمده است.

جدول ۱: بررسی ضریب همبستگی پیرسون فرضیه اصلی اول

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی (r)	ضریب تعیین (r^2)	آزمون اعتبار (t_2)	سطح خطا (p)	عرض از مبدا (a)	شیب خط (b)
هوش معنوی	۹۰	۷۷/۳۵	۰/۶۴	۰/۵۶	۰/۳۱	۶/۳۲	۰	۲/۱۶	۰/۵۸
شادکامی	۹۰	۳۹/۵۹	۰/۶۶						

همان طور که در جدول بالا مشخص شده است، ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر شادکامی و هوش معنوی $r = 0/57$ می باشد که نشان می دهد ارتباط مثبت و مستقیم ($b=0/58$) بین این دو متغیر وجود دارد و چون $pvalue = 0$ می باشد، بنابراین این ارتباط با یقین بیشتر و در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین آماره آزمون اعتبار (t_2) خارج از دامنه $\pm 2/576$ که از جدول به دست آمده است، قرار می گیرد؛ بنابراین بین هوش معنوی و شادکامی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم پژوهش بیان می دارد که شادکامی دانشجویان غیر خوابگاهی بیشتر از دانشجویان خوابگاهی است.

جدول ۲: بررسی میانگین هوش معنوی دانشجویان غیر خوابگاهی و میانگین هوش معنوی دانشجویان خوابگاهی

متغیرها	تعداد	میانگین هوش معنوی	میانگین شادکامی	t	سطح معنی داری
خوابگاهی	۴۵	۷۵/۴۰	۳۳/۸۱	۱۸/۴۸	۰
غیر خوابگاهی	۴۵	۷۹/۲۹	۴۵/۳۶	۱۲/۰۸	۰

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود میانگین هوش معنوی دانشجویان غیر خوابگاهی $79/29$ و میانگین هوش معنوی دانشجویان خوابگاهی $75/40$ می باشد. همچنین میانگین نمره شادکامی دانشجویان غیر خوابگاهی $45/36$ و میانگین نمره شادکامی دانشجویان خوابگاهی $33/81$ می باشد که نشان می دهد میزان شادکامی دانشجویان غیر خوابگاهی بیشتر از دانشجویان خوابگاهی است؛ که با توجه به سطح معنی داری صفر این روابط معنی دار می باشد.

جدول ۳: بررسی میانگین هوش معنوی میانگین شادکامی

متغیرها	میانگین هوش معنوی	میانگین شادکامی	انحراف معیار
بالا	۸۸/۴۳	۴۳/۸۳	۱۳/۸۶
متوسط	۷۸/۰۳	۳۷/۵۰	۱۲/۵۳
پایین	۶۲/۵	۳۴/۷۶	۱۶/۲۴

توجه به نتایج میانگین نشان داد که شادکامی در دانشجویانی که دارای هوش معنوی پایین تر هستند $34/76$ و در دانشجویان دارای هوش معنوی متوسط $37/50$ و در دانشجویان دارای هوش معنوی بالا $43/83$ می باشد؛ بنابراین هر چه هوش معنوی دانشجویان بالاتر می رود میزان شادکامی افزایش می یابد.

فرضیه فرعی اول

فرضیه فرعی اول بیان می دارد که بین تفکر وجودی انتقادی و شادکامی دانشجویان رابطه وجود دارد. در این بخش به منظور تعیین رابطه بین میزان شادکامی و تفکر وجودی انتقادی، ابتدا ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر محاسبه شده است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول آمده است.

جدول ۴: بررسی ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی (r)	ضریب تعیین (r ²)	آزمون اعتبار (t2)	سطح خطا (p)	عرض از مبدا (a)	شیب خط (b)
تفکر انتقادی	۹۰	۷۷/۳۵	۰/۸۶	۰/۵۳	۰/۲۸	۵/۸۱	۰	۲/۱۳	۰/۵۷
شادکامی	۹۰	۳۹/۵۹	۰/۶۶						

همان طور که در جدول بالا مشخص شده است، ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر شادکامی و تفکر انتقادی وجودی $r = 0/53$ می باشد که نشان می دهد ارتباط مثبت و مستقیم ($b=0/56$) بین این دو متغیر وجود دارد و چون $pvalue = 0$ می باشد، بنابراین این ارتباط با یقین بیشتر و در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین آماره آزمون اعتبار (t2) خارج از دامنه $\pm 2/576$ که از جدول به دست آمده است، قرار می گیرد؛ بنابراین بین تفکر انتقادی وجودی و شادکامی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم

فرضیه فرعی دوم بیان می دارد که بین تولید معنای شخصی و شادکامی دانشجویان رابطه وجود دارد. در این بخش به منظور تعیین رابطه بین میزان شادکامی و تولید معنای شخصی، ابتدا ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر محاسبه شده است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول آمده است.

جدول ۵: بررسی ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی (r)	ضریب تعیین (r ²)	آزمون اعتبار (t2)	سطح خطا (p)	عرض از مبدا (a)	شیب خط (b)
تولید معنا	۹۰	۷۷/۳۵	۰/۹۱	۰/۴۳	۰/۱۹	۴/۴۸	۰	۳/۶۲	۰/۳۱
شادکامی	۹۰	۳۹/۵۹	۰/۶۶						

همان طور که در جدول بالا مشخص شده است، ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر شادکامی و تفکر انتقادی وجودی $r = 0/43$ می باشد که نشان می دهد ارتباط مثبت و مستقیم ($b=0/31$) بین این دو متغیر وجود دارد و چون $pvalue = 0$ می باشد، بنابراین این ارتباط با یقین بیشتر و در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین آماره آزمون اعتبار (t2) خارج از

دامنه $\pm 2/576$ که از جدول به دست آمده است، قرار می گیرد؛ بنابراین بین تولید معنای شخصی و شادکامی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم

فرضیه فرعی سوم بیان می دارد که بین آگاهی متعالی و شادکامی دانشجویان رابطه وجود دارد. در این بخش به منظور تعیین رابطه بین میزان شادکامی و آگاهی متعالی، ابتدا ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر محاسبه شده است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول آمده است.

جدول ۶: بررسی ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی (r)	ضریب تعیین (r ²)	آزمون اعتبار (t2)	سطح خطا (p)	عرض از مبدا (a)	شیب خط (b)
آگاهی متعالی	۹۰	۷۷/۳۵	۰/۸۱	۰/۳۲	۰/۱۰	۳/۲۰	۰	۳/۸۱	۰/۲۷
شادکامی	۹۰	۳۹/۵۹	۰/۶۶						

همان طور که در جدول بالا مشخص شده است، ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر شادکامی و آگاهی متعالی $r = 0/32$ می باشد که نشان می دهد ارتباط مثبت و مستقیم ($b=0/27$) بین این دو متغیر وجود دارد و چون $pvalue = 0$ می باشد، بنابراین این ارتباط با یقین بیشتر و در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین آماره آزمون اعتبار (t2) خارج از دامنه $\pm 2/576$ که از جدول به دست آمده است، قرار می گیرد؛ بنابراین بین آگاهی متعالی و شادکامی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم

فرضیه فرعی چهارم بیان می دارد که بین بسط حالت هوشیاری و شادکامی دانشجویان رابطه وجود دارد. در این بخش به منظور تعیین رابطه بین میزان شادکامی و بسط حالت هوشیاری، ابتدا ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر محاسبه شده است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول آمده است.

جدول ۷: بررسی ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی (r)	ضریب تعیین (r ²)	آزمون اعتبار (t2)	سطح خطا (p)	عرض از مبدا (a)	شیب خط (b)
حالت هوشیاری	۹۰	۷۷/۳۵	۰/۸۳	۰/۳۷	۰/۱۳	۳/۱۲	۰	۳/۷۱	۰/۲۷
شادکامی	۹۰	۳۹/۵۹	۰/۶۶						

همان طور که در جدول بالا مشخص شده است، ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر شادکامی و بسط حالت هوشیاری $r = 0/37$ می باشد که نشان می دهد ارتباط مثبت و مستقیم ($b=0/27$) بین این دو متغیر وجود دارد و چون $pvalue = 0$ می باشد، بنابراین این ارتباط با یقین بیشتر و در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین آماره آزمون اعتبار (t2) خارج از

دامنه $\pm 2/576$ که از جدول به دست آمده است، قرار می گیرد؛ بنابراین بین آگاهی متعالی و شادکامی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد.

رگرسیون چند متغیری

در بررسی فرضیه های فرعی پژوهش باید توجه داشت که در تمامی موارد، ضرایب همبستگی محاسبه شده و ضریب تعیین برآورد شده، حاکی از تبیین واریانس میزان شادکامی دانشجویان به وسیله هر متغیر اعم از تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری به طور جداگانه و با فرض اثر ثابت بودن سایر متغرها می باشد؛ اما باید توجه داشت که در حالت واقعی این متغیرها با هم و به صورت توأم بر میزان شادکامی دانشجویان اثر می گذارند. به همین جهت با استفاده از رگرسیون چند متغیری اقدام به بررسی رابطه بین عوامل هوش هیجانی با شادکامی شده است. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیری همزمان در جدول نشان داده شده است.

جدول ۸: رگرسیون چند متغیری

شاخص ها	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R2)	ضریب تعیین اصلاح شده	F (۵، ۸۴)	سطح خطا
مقادیر	۰/۶۳	۰/۳۹	۰/۳۵	۱۰/۹۷۸	۰

همان طور که ملاحظه می شود ضریب همبستگی چند متغری محاسبه شده برابر ۰/۶۲ می باشد که این ضریب همبستگی در حد خوبی است و با توجه به اینکه F محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد برابر ۱۰/۹۷۸ و سطح خطا نیز صفر می باشد، رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها معنی دار است. از طرف دیگر با توجه به اینکه ضریب تعیین ۰/۳۹ می باشد و چون ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۳۵ است، می توان اظهار داشت که ۳۵ درصد تغییرات شادکامی دانشجویان متأثر از هوش معنوی و عوامل زیرساختی آن می باشد. با بررسی وضعیت هر یک از زیرساخت ها و ضرایب رگرسیونی محاسبه شده مشخص می شود که برخی از این ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نیستند. خرده مقیاس بسط حالت هوشیاری در سطح ۹۵ درصد معنی دار نیست و تاثیر بسیار ضعیفی در پیشگویی متغیر وابسته دارد. لذا با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام مناسب ترین معادله خط رگرسیون و ضرایب همبستگی بین شادکامی و زیرساخت های هوش معنوی مجدداً محاسبه شده است. نتایج بعد از حذف متغیری که معنی دار نیست در جدول آمده است.

جدول ۸: نتایج تحلیل رگرسیون

خرده مقیاس ها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	F	P	ضرایب رگرسیون استاندارد شده برای زیرساخت های هوش معنوی		
						تفکر وجودی انتقادی	تولید معنای شخصی	آگاهی متعالی
تولید معنای شخصی	۰/۴۹	۰/۲۴	۰/۲۳	۲۷/۲۲	۰	Beta = ۰/۴۹ T= ۰/۲۲۵ P=۰		
تولید معنای شخصی و تفکر وجودی انتقادی	۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۳۳	۲۳/۱۳	۰	Beta = ۰/۴۱ T = ۴/۶۴ P = ۰	Beta = ۰/۳۴ T = ۳/۸۴ P = ۰	

Beta = ۰/۲۲ T= ۲/۵۵ P= ۰/۰۱	Beta = ۰/۳۰ T= ۳/۴۰ P= ۰	Beta = ۰/۳۷ T= ۴/۲۹ P= ۰	۰	۱۸/۵۶	۰/۳۷	۰/۳۹	۰/۶۳	تولید معنای شخصی، تفکر وجودی انتقادی، آگاهی متعالی
-----------------------------------	--------------------------------	--------------------------------	---	-------	------	------	------	--

نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه با بهره گیری از روش مرحله ای نشان می دهد که ضریب همبستگی هوش معنوی با ترکیب خطی متغیرهای تولید معنای شخصی، تفکر وجودی انتقادی و آگاهی متعالی برابر ۰/۶۳ می باشد و با توجه به ضرایب تعیین محاسبه شده، این سه متغیر در مجموع ۳۹ درصد از تغییرات میزان شادکامی دانشجویان را تبیین کرده اند و با توجه به محاسبه شده و سطح خطای محاسبه شده، این روابط معنی دار می باشند؛ بنابراین از میان چهار متغیر پیش بینی با توجه به بتای محاسبه شده به ترتیب تولید معنای شخصی ۰/۳۷، تفکر وجودی انتقادی ۰/۲۹ و آگاهی متعالی ۰/۲۲ هر یک به تنهایی و با یکدیگر بهترین پیش بینی کننده های میزان شادکامی دانشجویان در دانشگاه مورد بررسی می باشند. با مقایسه ضریب تعیین به دست آمده در روش همزمان (۰/۳۹۵) با ضریب تعیین محاسبه شده در روش گام به گام (۰/۳۹۳) مشخص می شود که تنها ۰/۲ درصد از تغییرات شادکامی توسط متغیر بسط حالت هوشیاری تبیین شده است؛ به عبارت دیگر این متغیر نقش بسیار ناچیزی را در تبیین واریانس کارایی داشته است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که بین میانگین های گروههای مختلف دانشجویان بر اساس نمره شادکامی از نظر هوش معنوی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش میزان هوش معنوی، میزان شادکامی دانشجویان نیز افزایش می یابد که این یافته با نتایج پژوهش های دینر، لوکای، اویشی (۲۰۰۲) هم سو می باشد که بیان می کنند افراد برخوردار از معنویت، میزان بالاتری از شادکامی را گزارش می کنند. جاین و بورهست (۲۰۰۶) و نتایج پژوهش مایرز (۲۰۰۱) و پترسون (۲۰۰۰) بیانگر آن است که شادی در بهبود و افزایش سلامت جسمانی و روانی نقش موثری دارد و باعث احساس امنیت و رضایت در زندگی و روحیه مشارکت بالاتر می گردد و افراد دارای زندگی معنوی، بدون شک از نظر روان شناختی افراد سالمی هستند. در تحقیقات دیگر به این نتیجه رسیدند که هوش معنوی موجب می شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی سختی، بینشی عمیق بیابد و از سختی های زندگی نترسد و با صبر و تفکر با آن حل ها مقابله نموده و راه حل های منطقی و انسانی برای آن ها بیابد (گیج و اسمیت^۱، ۲۰۱۶).

پس می توان گفت که افراد برخوردار از هوش معنوی بالا از میزان شادی بالاتری بهره مند خواهند شد و هر دو مولفه ارتباط بسیار نزدیکی با سلامت روانی دارند. این تبیین با نتایج یافته های پژوهش یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷) که نشان داد رابطه معناداری بین هوش معنوی و سلامت روانی در دانشجویان وجود دارد، همسو می باشد. همچنین پژوهش های مربوط به شادی نشان داده اند که افراد شاد، بازدهی فردی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی بالاتری داشته اند (لیوبومیرسکی و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین یافته های این پژوهش در راستای دیگر پژوهش های انجام شده در زمینه هوش معنوی و شادی می باشد، پولنر (۱۹۸۹) در یافت که حمایت اجتماعی ثابت، احساس نزدیک بودن به خدا و داشتن تصور دوستانه از خداوند با شادی ارتباط دارد و تعهد جدی نسبت به مذهب به خودی خود می تواند هدف نهایی تلقی شود و داشتن هدف در زندگی با شادی همبستگی مثبت دارد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که هوش معنوی به عنوان زیربنای باورهای فرد نقش اساسی را در زمینه های گوناگون به ویژه ارتقاء و تامین سلامت روانی که شادی یکی از نشانه های آن محسوب می گردد، ایفا نماید. لذا توجه به

¹ Gage, T., & Smith, C.

هوش معنوی و تبیین آن می تواند دانشجویان را بر درک ارزش و معنای زندگی، حل مسائل و در پیوند با خود، دیگران و جهان یاری رساند.

همچنین هوش معنوی به عنوان هوش غایی که مسائل معنایی و ارزشی را نشان می دهد و ظرفیت های سازگاری روانی را در برمی گیرد، بر جنبه های غیر مادی و غیر جبری بنا شده و در برگیرنده ی منابع معنوی، ارزش ها و ویژگی هایی است که عملکرد و تندرستی روزانه را افزایش می دهد. افراد با نمره هوش معنوی بالا از حد جسم و ماده فراتررفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه می کنند و از منابع معنوی برای حل مسائل استفاده می کنند و خصوصیاتی هم چون تواضع، بخشش، حق شناسی و ترحم یا گذشت را در آنان می توان دید. با دارا بودن این ویژگی ها و دید مثبت نسبت به دنیا، این افراد از زندگی خود رضایت دارند و برای بهبودی آن می کوشند و به شادکامی می رسند. امیرپور در سال ۱۳۹۱ در پژوهشی دریافت که تفکر انتقادی و ابعاد آن قادر به پیش بینی شادکامی و عزت نفس اجتماعی دانشجویان است یعنی هر کسی که ویژگی های تفکر انتقادی در آن بیشتر باشد شادکامی و عزت نفس او نیز بالاتر و در نتیجه بهره وری او بیشتر می شود که به صورت غیر مستقیم با پژوهش حاضر همسو است. گاپتا (۲۰۱۲)، در پژوهشی نشان داد که از بین مؤلفه های هوش معنوی، تفکر انتقادی وجودی دارای بیشترین ضریب همبستگی ۸۴ درصد با هوش معنوی می باشد. بین هوش معنوی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد این یافته ها با نتایج جوشقانی (۱۳۸۹)، فابریکاتور، هندل و فنزل^۱ (۲۰۰۰)، فرانسیس و رایبیز^۲ (۲۰۰۰) همسو است. است. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) معتقدند که هوش معنوی موجب می شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی بینشی عمیق یابد و از سختی های زندگی نهراسد و با صبر و تفکر با آنها مقابله نموده و راه حل های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. همچنین سانتوس (۲۰۰۶) این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی بر اساس این قوانین تعریف کرده است. این در حالی است که ارسطو در تعریف شادکامی بیان می دارد که شادکامی در بالاترین سطح حاصل معنویت است.

منابع و مأخذ

۱. باب الحوائجی، فهیمه و رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هوش معنوی و شادکامی کتابداران شاغل در کتابخانه های دانشگاه تهران. نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، سال چهل و پنجم. شماره ۵۸.
۲. باقری، فریبرزواکبری زاده، فاطمه. (۱۳۹۰). رابطه بین هوش معنوی و شادکامی و متغیرهای دموگرافیک در پرستاران بیمارستان فاطمه الزهرا و بنت الهدی بوشهر. فصلنامه طب جنوب شماره ۴.
۳. پاک نیت، میترا و جاویدی، حجت اله. (۱۳۹۵). رابطه بین ابعاد هوش معنوی و سلامت سازمانی با نقش واسطه ای رفتار شهروندی سازمانی. مجله روش ها و مدل های روانشناختی. سال هفتم. شماره ۲۳.
۴. حدادنیا، سیروس و جوکار، ناصر. (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با رفتار شهروندی سازمانی دبیران. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. سال هفتم. شماره ۲.
۵. حیدری، اعظم و کوروش نیا، مریم. (۱۳۹۴). رابطه بین هوش معنوی و شادکامی به واسطه بهزیستی روان شناختی. مجله روش ها و مدل های روانشناختی. سال ششم. شماره ۲۱.
۶. رئیس، مرضیه واحمری، هدی. (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی شماره ۱۳.
۷. ستوده، حافظ و شاکری نیا، ایرج. (۱۳۹۴). رابطه بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با بهزیستی روان شناختی پرستاران. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. دوره ۹ شماره ۱.

^۱Fabricatore, Handal & Fenzel

^۲Francis & Robbins

۸. سلیمانی، اسماعیل و نجفی، محمود. (۱۳۹۴). اثربخشی هوش معنوی بر کیفیت زندگی و شادکامی دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره). فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال پنجم شماره ۴.
۹. شیاسی، مجید و اعتباریان، اکبر. (۱۳۹۴). نقش هوش معنوی در بهره‌وری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان براساس مدل معادلات ساختاری، مجله مدیریت سلامت. شماره ۱۹.
۱۰. ضمیری نژاد، سمیه. (۱۳۹۲). پیش‌بینی شادکامی دانشجویان بر اساس هوش معنوی. مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. دوره ۲۰ شماره ۵.
۱۱. یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان. مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی.
۱۲. یعقوبی، محمود و مجتبیایی، مینا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سلامت روانی بر اساس هوش معنوی و الگوهای ارتباطی خانواده در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. نشریه علمی-پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی شماره ۹۲.
۱۳. یکتایی، محمدرضا و علی‌پور، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هوش معنوی بر عملکرد شغلی (مورد مطالعه: اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران). مدیریت فرهنگ سازمانی. دوره ۳۱، شماره ۴.

14. Alex M, Ajawani JC. Marital happiness as the function of spiritual intelligence. *International*
15. Argyle, M. (2013). *The psychology of happiness*. Routledge.
16. Argyle, M., Martin, M., & Crossland, J. (1989). Happiness as a function of personality and social encounters. *Recent advances in social psychology: An international perspective*, 189-203.
17. Boniwell, I., & Zimbardo, P. G. (2015). C ENTRAL TO THE DISCIPLINE of positive psychology (Seligman & Csikszentmihalyi. *Positive Psychology in Practice: Promoting Human Flourishing in Work, Health, Education, and Everyday Life*, 223.
18. Cameron, S. (2016). Extreme Happiness: Some Explorations Using Taking Part Survey Data. *Browser Download This Paper*.
19. Chan, A. W., & Siu, A. F. (2016). Application of the Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI-24) Among Hong Kong University Students. *International Journal of Transpersonal Studies*, 35(1), 3.
20. Chan, W. (2007). "Emotional Intelligence and Components of Burnout among Chinese Secondary School Teachers in Hong Kong". *Teaching and Teacher Education*, 22(8): 10541042.
21. Cuner-Kucukkaya, P. & I. Isik (2010). "Predictors of Psychiatric Symptom Scores in a Sample of Turkish High School Students". *NurseHealth Sci*, 12 (4): 429-36.
22. Eisenberg, N.; A. Cumberland, T.L. Spinrad, R.A. Fabes, S.A. Shepard, M. Reiser, B.C. Murphy, S.H. Losoya & I.K. Guthrie (2009). "The Relations of Regulation and Emotionality to Children's Externalizing and Internalizing Problem Behavior". *Child Development* 72
23. Gage, T., & Smith, C. (2016). Leadership intelligence: Unlocking the potential for school leadership effectiveness. *South African Journal of Education*, 36(4), 1-9.
24. Geneva, WHO.
25. Greteman, K. A. (2016). The pursuit of happiness: the shifting narrative of suburbia and the American Dream.
26. Lopez, V., Leigh, M. C., Fischer, I., & Larkin, D. (2015). Perceptions of spirituality in Australian undergraduate nursing students: A pre-and post-test study. *Nursing Practice Today*, 2(1), 10-15.

27. Lyubomirsky, S., Sheldon, K. M., & Schkade, D. (2005). Pursuing happiness: The architecture of sustainable change. *Review of general psychology, 9*(2), 111. King D B (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure Peterborough, Ontario, Canada: Trent University.
28. Makwana, S. (2015). Spiritual intelligence and job-satisfaction of higher secondary school's teachers. *Indian Journal of Positive Psychology, 6*(4), 429.
29. Multidisciplinary Research Journal. 2011; 1(9): 06 07
30. Pannells, T. C., & Claxton, A. F. (2008). Happiness, creative ideation, and locus of control. *Creativity research journal, 20*(1), 67-71.
31. Post, S. G. (2005). Altruism, happiness, and health: It's good to be good. *International journal of behavioral medicine, 12*(2), 66-77.
32. Rush M. Forum: Spiritual Crisis in the Uk. journal for the study of spirituality 2013; 3(2): 168-171
33. Sagharvani, S., & Ghayur, M., (2009). Spirituality, Self-actualization and spiritual intelligence in the workplace, Art Journal, No. 6, pp. 21-31
34. Seligman, M. E. (2013). *Authentic happiness: using the new positive psychology to realize your potential for deep fulfillment*. Nicholas Brealey.
35. Singh, O. P. (2017). National Mental Health Policy of India-New Pathways New Hope— A Journey on Enchanted Path. *Eastern Journal of Psychiatry, 18*(2).
36. Wigglesworth C. Spiritual intelligence and why it matters. [cited 2013 May 29]. Available from: <http://www.Consciouspursuits.com>.
37. World Health Organization (2005). Child and Adolescent Mental Health Policies and Plans. Mental Health Policy and Service Guidance Package.
38. Yang KP. The Spiritual Intelligence of Nurses in Taiwan. *J Nurs Res* 2006; 14:24-35.
39. Zohar D, Marshall I. *Spiritual intelligence: The ultimate intelligence*. Bloomsbury Publishing, 2012

Investigating the Relationship between Spiritual Intelligence and Happiness of Students from the Campus of Bentolodhi Sadr in Qazvin

Maryam Nezami Pakdehi

Masters, Consultation, Allameh Tabatabaei University

Abstract

Spirituality is one of the inner needs of the human being, which some scholars have highlighted as the highest levels of cognitive, moral, emotional development, and the constant effort of human beings to respond to the choices of life. Spiritual intelligence as the basis of individual beliefs plays a major role in various fields, especially mental health promotion and mental health, and also the importance of the role of happiness in mental health, physical health, efficiency and social participation is one of the most important priorities of psychology. Therefore, the purpose of this study is to investigate the relationship between spiritual intelligence and student happiness. The method of this research is descriptive and correlational. The statistical population consisted of all students from the campus of Bentolodhi Sadr in Qazvin. A sample of 90 people was selected through multi-stage sampling. The spiritual intelligence questionnaire with 14 options and the Oxford Happiness Index with 29 items was used as a research tool. The results analysis using Pearson correlation test and regression analysis showed that there is a significant difference between the mean of different groups of students. This means that with the increase in the level of spiritual intelligence, the level of happiness will also increase.

Keywords: Spiritual Intelligence, Happiness, Critical Existential Thinking, Production of Personal Meaning, Transcendental Consciousness, Expansion of Awareness
